



مجموعه داستان

اتشک ششم

خاچیک خاچر

www.ketab.ir

"Arshak the sixth"
Khachik Khacher
Short stories in Farsi
Book A (10 stories)

خاچر، خاچیک، ۱۳۲۵ -
اشک ششم / خاچیک خاچر. -- تهران: چشمه ۱۳۸۳.
۱۰۲ ص.
ISBN 964 - 362 - 219 - 3
فهرست نویسی بر اساس فیبا.
۱. داستان های کوتاه فارسی. -- قرن ۱۴. الف عنوان.
الف ۲۲۳ آخ ۸۶/۶۲
۱۳۸۳
۱۳۸۳
کتابخانه ملی ایران
۳۶۳۷۸ - ۸۳ م

دفتر مرکزی و فروش: تهران، خیابان انقلاب، ابوریحان بیرونی، وحید نظری شماره ۷۱
تلفن ۶۴۹۲۵۲۴، دورنگار ۶۴۶۱۴۵۵
فروشگاه مرکزی: خیابان کریمخان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱، تلفن ۸۹۰۷۷۶۶

اشک ششم
خاچیک خاچر
ویراستار: شیوا حریری
حروف نگاری: حسین زنده دل، تلفن ۷۵۱۱۵۵۹
لیتوگرافی: مردمک
چاپ: حیدری
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان
تعداد: ۱۲۰۰ نسخه
چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴، تهران
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است

ISBN 964 - 362 - 219 - 3

شابک ۹۶۴ - ۳۶۲ - ۲۱۹ - ۳

فهرست

۷	مقدمه
۹	«اشک ششم» اعلام استقلال کرده است
۱۷	پسرک و پروانه
۱۹	سوء تفاهم
۲۵	دوران خوش سپری شده‌ی الاغ کوچولو
۳۱	به دنیا آمدن من
۴۱	یغسان
۴۷	ژنرال مایور ولفگانگ فون شتاین
۸۱	همخوانی
۸۹	پایلیک زنگ نزد
۹۵	پدر او
۱۰۱	درباره‌ی نویسنده

مقدمه

عامل آشنایی من با خاچیک، هوشنگ گلشیری بود و سال، سال ۱۳۷۳. تلفن کرد و گفت: «می‌آید پیشت؛ کمکش کن.» و خاچیک آن موقع در حال ترجمه و تدارک مجموعه‌ای بود از داستان‌های کوتاه فارسی که سال بعد با نام «جاده‌ی ابریشم» در ارمنستان منتشر شد و حاوی ۳۲ داستان کوتاه از ۳۲ نویسنده معاصر بود. ترجمه‌های او با «قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی» و کتاب دیگری با عنوان «مردی با کراوات سرخ» که داستان‌هایی از چوبک، گلستان، گلشیری و آل‌احمد را دربر می‌گرفت، ادامه یافت. این کتاب‌ها در ارمنستان چاپ می‌شد و او از استقبال خوانندگان ارمنی زبان آن‌ها شاد بود. و بعد ناگهان به من خبر داد که تا به حال دو مجموعه داستان از او به نام‌های «آدم‌های شفاف» و «چهارراه ژنرال‌ها» و همچنین مجموعه‌ی شعری با عنوان «بی تفاوتی» در ارمنستان به چاپ رسیده است. پس خاچیک داستان نویس، شاعر هم بود که تا آن موقع بروز نداده بود و البته به ارمنی می‌نوشت و می‌سرود. چیزی نگذشت که داستان‌هایی را که به فارسی نوشته بود در اختیارم گذاشت؛ داستان‌ها البته یک‌دست نبود، اما خواندن بعضی از آن‌ها مرا شگفت‌زده کرد.

دقت مشاهده و استعداد او در ضبط گوشه‌های پنهان رفتار آدمی به نظر من فوق‌العاده رسید. گمان می‌کنم خاچیک از آن دسته از آدم‌های چند فرهنگی است که از برخی از محدودیت‌های فکری رایج برگزشته است. علاوه بر احاطه‌اش بر زبان و فرهنگ فارسی و ارمنی، تسلط او بر دو سه زبان اروپایی و از جمله آلمانی - او

سال‌هایی را در آلمان گذرانده است - احیاناً چنین وضعیتی را برای او فراهم آورده است.

خاجیک از جمله نویسندگانی است که موقعیت‌های ترازیک و طنزآلود را به خوبی می‌شناسد و گاه تلفیق هنرمندانه‌ای از آن به دست می‌دهد؛ داستان‌های «ژنرال مایور...» و «اشک ششم...» از این دست‌اند. در «به دنیا آمدن من» نوعی سرخوشی هست و در «پسرک و پروانه» یک جور معصومیت و شاعرانگی، در «دوران خوش سپری شده...» عبرت هست و در «یفسان» ریشخند چرخه‌ی حیات. اما تم عمده‌ی اغلب داستان‌های این مجموعه تنهایی است؛ تنهایی انسان‌ها در برابر بحران‌هایی که شرایط اجتماعی موجب آن‌اند. در داستان «پایلیک زنگ نزد» پیرزنی در انتظار تماس تلفنی یک دوست از آمریکا حافظه‌اش را به تدریج از دست می‌دهد، جوری که دیگر فرزندانش را هم حتی نمی‌شناسد و انگار اضمحلال هوش و حواس و حافظه‌ی این زن، جز نتیجه‌ی مستقیم پراکندگی عجیب جغرافیایی این قوم - قوم ارامنه - چیز دیگری نیست.

در داستان «همخوانی» که همه‌ی ماجرا در یک قطار زیرزمینی اتفاق می‌افتد، راوی به ناچار به همخوانی با مردی می‌پردازد که حتی یک کلمه از آن‌چه او بر زبان می‌آورد، نمی‌فهمد. انگار فردیت در مواجهه با جریان شتاب‌آلود زندگی اجتماعی دوران ما تعارف بی‌مزه‌ای بیش نیست. در داستان «ژنرال مایور و لفگانگ فون...» شتاین» ادامه‌ی حیات ژنرال که مظهر تعصب و خشک‌ذهنی است، بعد از شکست خفت بار فاشیسم و حتی بعد از آن‌که پیکر نیمه‌جان و خونینش را پیدا می‌کنند، خود یک اخطار جدی است... این داستان‌ها حاوی فضاهای تازه‌ای است.